گالری جهان

وال‌استریت ژورنال؛ هیجان در بانک مرکزی

برای جشن ملی فرانسوی‌ها (روز باستیل) ۱۰ بانوی نخست از ۱۰ کشور آفریقایی راهی پاریس شده‌اند و در کنار کارلا برونی – سارکوزی، بانوی نخست فرانسه، پایین پله‌های کاخ الیزه عکس می‌اندازند. این داستان، موضوع عکس یک روزنامه وال‌استریت ژورنال (نسخه اروپا – امریکا) است. روز چهاردهم ماه جولای در تقویم فرانسوی‌ها، یادمان روزی است که زندان مخوف باستیل در سال ۱۷۸۹ فروپاشید به نشانه ورود فرانسوی‌ها به دنیای مدرن و جمهوری نخستین و البته ۵۰ سال پیش در چنین روزی، کشورهای آفریقایی تحت استعمار فرانسه هم اعلام استقلال کردند و آزاد شدند. تیتر یک این روزنامه اقتصادی هم موضوع مذاکرات و گفت‌وگوهای پی‌درپی اعضای بانک مرکزی امریکا را پیگیری می‌کند؛ مذاکراتی درباره اینکه نرخ تورم کاهش یافته و به حالت کاهش قیمت برگشته است. هفته گذشته بازار سهام امریکا بهترین دورانش را در سال ۲۰۱۰ از سرگذراند و رونق را به بازارهای مالی این کشور بازگرداند؛ اتفاقی که باعث شده به بحث‌های اعضای بانک مرکزی امریکا هیجان و شور و شوق تزریق شود. در نیم‌تای دوم روزنامه وال‌استریت‌ژورنال، خبر و گزارش کشته شدن سه سرباز انگلیسی در افغانستان دیده می‌شود.

واشنگتن‌تایمز
توافق احزاب بر سر افزایش سن بازنشستگی

بحث افزایش سن بازنشستگی به امریکایی‌ها هم رسید. تیتر یک روزنامه امریکایی واشنگتن‌تایمز از توافق دو حزب دموکرات و جمهوریخواه امریکا در کنگره (خانه) بر سر افزایش سن بازنشستگی خبر می‌دهد. بحثی که در فرانسه باعث اعتراض و حضور خیابانی طیف کارگران و کارمندان و دانشجویان شد، هنوز در امریکا واکنشی را برنیانگیخته. بحران‌های اقتصادی امریکا و جهان باعث شده دولت‌ها درصدد کاهش هزینه‌های خدماتی بربیایند و از نیروی کارشان بیشتر بهره بگیرند. عکس یک روزنامه واشنگتن‌تایمز هم در نوع خود جالب است. عکس، ورود وووزلاهای آفریقایی را به مناسبات اعتراضی شهروندان غیرآفریقایی نشان می‌دهد. تعدادی خانم انگلیسی تی‌شرت‌های زردرنگ پوشیده‌اند که رویش نوشته شده: «بادهای اعتراض می‌وزد، BP به هوش باش». آنها به میدان بزرگ لندن آمده‌اند و با وووزلاهای خود علیه کمپانی نفتی BP که باعث آلودگی آب‌های جنوبی امریکا شده اعتراض می‌کنند. نکته جالب، تیتر عکس روزنامه واشنگتن‌تایمز است؛ «اعتراض نفتی». منظور واشنگتن‌تایمز، استفاده از ترکیبات نفتی در ساخت وووزلاهای پلاستیکی است. ترکیباتی آلی برای ساخت ماده سازنده وووزلاهای پلاستیکی به کار می‌رود و حالا این ترکیبات صدای اعتراض علیه کمپانی نفتی را هم از خود بروز می‌دهند.

واشنگتن‌پست؛ بی‌توجهی به ماجرای والدز

کمتر پیش می‌آید تیتر یک و عکس یک روزنامه‌های امریکایی مشابه باشد. صفحه اول روزنامه واشنگتن‌پست هیچ شباهتی به واشنگتن‌تایمز ندارد. عکس یک واشنگتن‌پست، تصویری است از دودی سیاه بر فراز آسمان خلیج مکزیک. علاوه بر سرپوش‌گذاری روی لوله‌های نفتی نشت‌کننده و استفاده از اسکیمرهای مکنده نفت از سطح آب، روش ابتدایی در دسترس سوزاندن نفت نشت‌کرده و جاری در سطح آب هم انجام می‌شود. دود سیاه حاصل از سوزاندن نفت موجود در سطح آب است. این عکس مربوط است به گزارشی درباره اتفاق مشابه آلودگی نفتی در آب‌های آلاسکا و راهکارهای مهار آن. آن روزها به جای کمپانی نفتی BP، نام اکسون والدز سر زبان‌ها بوده است. ماجرا برمی‌گردد به سال‌های ۱۹۸۰. تیتر یک این روزنامه (واشنگتن‌پست) هم درباره تغییر و تحولاتی است که قرار است در سیستم آموزشی مدارس واشنگتن به وجود آید. در نیم‌تای دوم واشنگتن‌پست خبر مربوط به شهرام امیری و مناقشات حول و حوش او منتشر شده است.

گاردین؛ تولد دوباره باکره صخره‌ها

روزنامه گاردین می‌توانست عکسی از کشته‌شدگان انگلیسی در افغانستان را برای صفحه یک خود انتخاب کند. گاردینی‌ها این کار را نکردند و ترجیح دادند تابلوی مشهور و ارزشمند «باکره صخره‌ها» اثر داوینچی را به عنوان عکس یک در صفحه اول چاپ کنند. ماجرا از این قرار است که تابلوی «باکره صخره‌ها» ۱۸ ماه پیش برای ترمیم و صیقل خوردن از معرض دید تماشاگران موزه ملی خارج شد و حالا با رنگ و بویی تر و تازه به جایگاه خود در این موزه بازگشته است. گاردین در بخش تیتر عکس نوشته: «تولد دوباره باکره صخره‌ها». تیتر یک گاردین هم گزارش – مصاحبه‌ای است از رئیس دانشگاه لندن (UCL) درباره اوضاع اقتصادی انگلیس و رابطه‌اش با پذیرش دانشجو. این استاد دانشگاه معتقد است: «دانشجویان باید بدانند صندلی‌ای که در دانشگاه گرفته‌اند، گران است و باید هزینه این جایگاه را بپردازند.» او از طرفی به بحث حفظ رتبه جهانی کیفیت دانشگاه‌های بریتانیا هم می‌پردازد و می‌گوید: «هر چند کیفیت باید حفظ شود، اما با کاهش هزینه‌های تحصیل نمی‌توان برای یک دانشگاه سرمایه جمع کرد.» حرف‌های رئیس دانشگاه UCL همان سیستم اقتصادی جدید بریتانیا را پی می‌گیرد؛ پایین آوردن هزینه‌های خدماتی. گزارش مفصلی هم درباره کشته شدن سه نظامی ارتش بریتانیا در افغانستان در نیم‌تای اول گاردین دیده می‌شود.

گزارش یک

علت رویگردانی زنان امریکایی از رشته‌های علوم و مهندسی

وقتی تعداد مردان زیاد می‌شود

ترجمه: عباس زندباف

زنان امریکایی بیش از مردان قید کار در حوزه علوم و مهندسی را می‌زنند، زیرا از حقوق و فرصت‌های رشد در این حوزه راضی نیستند. این وضعیت با دست بالا داشتن مردان در صنعت نیز بستگی دارد و کارکنان مرد در چنین حوزه‌هایی سهم بالایی دارند. افت سهم ایالات متحده در نشر مطالب علمی و ثبت اختراعات در جهان نگرانی تحلیلگران سیاستگذاری علمی در ایالات متحده را برانگیخته است و از همین رو دست به کار شده‌اند تا دریابند چرا پرورش دانشمند و مهندس در این کشور کمتر از کشورهای رقیب است. یک راهکار ممکن برای رفع این معضل، جذب مهاجران بیشتر از میان مهندسان و دانشمندان است. راه دیگر هم افزایش شمار مهندسان و دانشمندان بومی است که در این صورت باید به سراغ زنان و اقلیت‌ها رفت که در این حوزه‌ها کم‌شمارند. «فرهنگستان ملی علوم» و «انجمن مهندسان برق و الکترونیک» ایالات متحده هر دو راهکار مهاجرتی و بومی‌گرایی را قبول دارند و بهبود آموزش ابتدایی و متوسطه، افزایش اعتبارات عمومی پژوهشی و اعطای بورس‌های ویژه به منظور تشویق بومیان به تحصیل در رشته‌های علوم و مهندسی را توصیه می‌کنند.

راهبرد دیگری که کارشناسان بر آن تاکید می‌کنند حفظ زنان در حوزه علوم و مهندسی است. این کارشناسان دلایل ترک شغل‌های حوزه علوم و مهندسی توسط زنان را شناسایی کرده‌اند و راه‌هایی برای افزایش زن‌پسندی این شغل‌ها پیشنهاد کرده‌اند. بی‌رویگی ترک شغل‌های حوزه علم و مهندسی توسط زنان نشانگر ناکارایی در این حوزه و در نتیجه کاهش چشمگیر شمار مهندسان و دانشمندان در ایالات متحده است. عملکردهای خاصی در شرکت‌های حوزه علم و مهندسی سبب می‌شود تا زنان نتوانند به طور کامل از قابلیت‌های خود استفاده کنند یا تبعیض‌های آشکاری در این شرکت‌ها علیه زنان وجود دارد. وجود چنین عملکردها یا تبعیض‌هایی سبب می‌شود که زنان دوست نداشته باشند وارد کار در حوزه علم و مهندسی بشوند. در مقالات فراوانی که راجع به رویگردانی زنان از حوزه علم و مهندسی نوشته شده است دشواری هماهنگ‌سازی ساعات کار طولانی در این حوزه با انجام امور خانواده، حس جداافتادگی ناشی از اقلیت بودن و فرهنگ خصمانه مردانه و وجود تبعیض مورد تاکید قرار گرفته است. اما برخی از این عوامل مانند طولانی بودن ساعات کار در سایر حوزه‌ها نیز وجود دارد و در واقع بهینگی ساعات کار در تمام حوزه‌ها برای زنان بیش از مردان اهمیت دارد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که نارضایتی از میزان حقوق و فرصت‌های ارتقای مهم‌ترین محرک زنان در دست‌کشیدن از کارهای مهندسی است. زنان بسیار بیشتر از مردان علت دست کشیدن از کارهای مهندسی را به مسائل خانوادگی ربط می‌دهند اما تنگناهای خانوادگی عامل تعیین‌کننده‌ای نیست زیرا در حوزه‌های غیرمهندسی نیز عدم توازن جنسیتی شدیدی وجود دارد. شرایط کار، نبود استخدام در این حوزه، تغییر علایق حرفه‌ای و محل کار از لحاظ آماری مهم هستند اما نقش اندکی در پیدایش این وضعیت دارند. زنان اندکی بیش از مردان به خاطر دلایل خانوادگی از شغل‌های مهندسی دست می‌کشند اما در عوض مردان بیش از زنان با دستاویز قرار دادن سایر دلایل شغل‌های مهندسی را ترک می‌کنند که عدم توازن قبلی را جبران می‌کند. اختلاف رویگردانی زنان و مردان از حوزه‌ای خاص با شمار مردانی که در آن حوزه تحصیل کرده‌اند رابطه مثبت دارد و این رابطه به مقدار زیادی حالت خطی دارد. در واقع اگر در حوزه‌های مهندسی بالاترین نرخ رویگردانی زنان به چشم می‌خورد به علت آن است که بالاترین نرخ روی‌آوری مردان نیز متعلق به این حوزه‌هاست. به همین دلیل است که مردان در این حوزه‌ها از حقوق و فرصت ارتقای بیشتری برخوردار هستند و سبب می‌شوند زنان از این حوزه‌ها رویگردان شوند. بالا بودن میزان کارکنان مرد در حوزه‌های مهندسی و نارضایتی زنان از حقوق و فرصت‌های ارتقای عامل‌های کلیدی بالا بودن میزان رویگردانی زنان از حوزه مهندسی است. در نتیجه می‌توان گفت این وضعیت به اعمال تبعیض توسط همکاران مرد و مدیران منجر می‌شود که در ایجاد وضعیت کنونی نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع این وضعیت هیچ ربطی به ماهیت کارهای مهندسی ندارد و در تمام حوزه‌هایی که شمار کارکنان مرد خیلی بیشتر از کارکنان زن باشد رخ خواهد داد.

منبع: voxeu.org

عکس یک: چریک

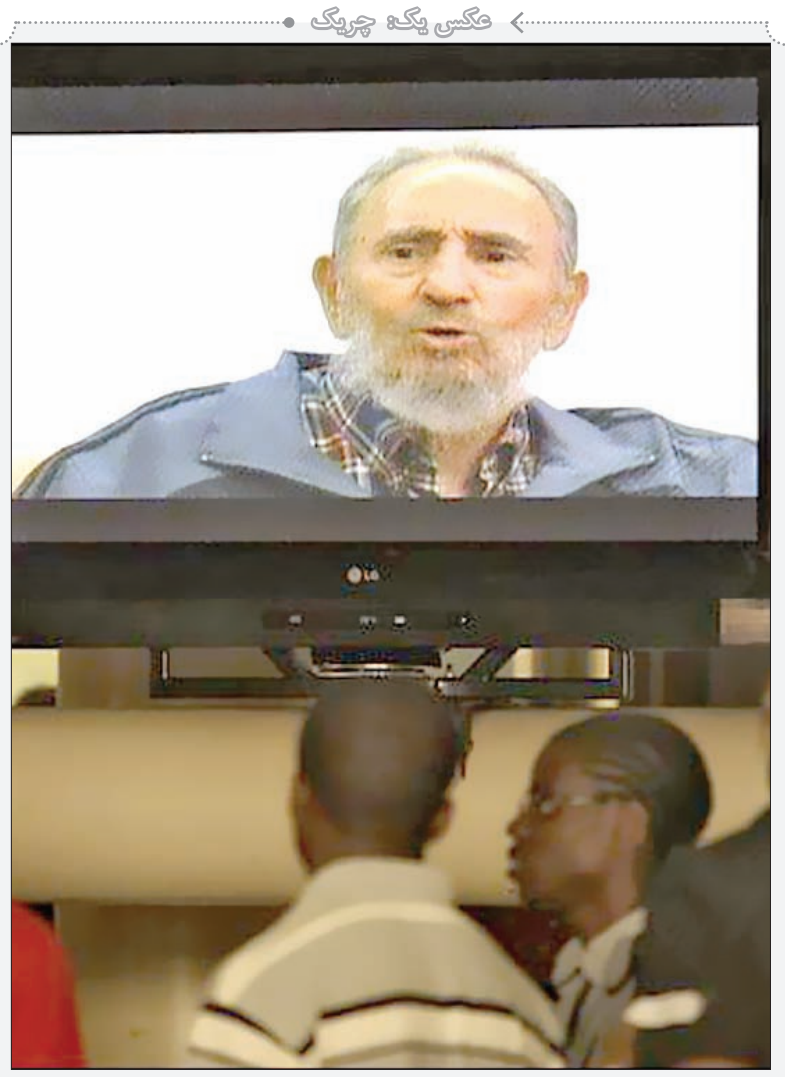

حالش خوب است. سرحال و همچنان پرحرف؛ حالا نه ۱۴ ساعت یکسره (رکوردش در دوران جوانی و زندان) در حد دقیقه. حال چریک پیر خوب است. این را عکس‌ها و ویدئوهای این چهارسال بازنشستگی خبر می‌دهند. دیگر در میدان بزرگ هاوانا نمی‌ایستد تا حرف بزند و حرف بزند و مردم را به گریه وادارد. تنها مقابل دوربین‌های عکاسان حاضر می‌شود. قیافه‌اش عوض نشده، فقط پیرتر و تکیده‌تر. کمرش خم نشده است. هنوز راست و خدنگ می‌ایستد. در این عکس پیدا نیست، اما پیرمرد کاپشن و شلوار آدیداس را هم از تن درآورده و به جایش یک دست لباس ورزشی نایکی پوشیده؛ نایکی، نماد سرمایه‌داری. پیرمرد حالش خوب است و همچنان با عتاب و خطاب رو به امریکایی‌ها حرف می‌زند و می‌توپد. نمی‌دانم نسل جدید کوبا درباره‌اش چه فکر می‌کنند. نمی‌دانم با دیدن تصاویر پیرمرد نم اشک در چشمان‌شان می‌نشیند یا نه. آنها هم مثل مادران و پدران‌شان شیفته‌وار نگاهش می‌کنند یا به لوازم دنیای مدرن اما ممنوع در کوبا می‌اندیشند؟ ممنوعیتی حاصل اندیشه‌های فیدل. نمی‌دانم در پی مهاجرت هستند تا آزاد زندگی کنند یا سر آرمان‌های پدران و مادران‌شان ایستاده‌اند. فیدل زنده و سرحال است و دور از هیاهوهای سیاسی، گهگاه مثل همیشه امریکا، سرمایه‌داری و غرب را نشانه می‌رود، فوتبال تماشا می‌کند و زندگی را ادامه می‌دهد تا موقع‌اش برسد. او هنوز آنقدر مهم هست که هر از چند گاهی تصاویرش را منتشر کنند به نشانه سلامتی‌اش و البته زنده‌بودنش و رد شایعات. می‌دانید دیگر پیرامون شخصیت‌هایی مثل فیدل که اهل کناره‌گیری از قدرت نیستند و به اجبار صندلی را به دیگری می‌سپارند، از این دست شایعات زیاد است؛ آنها مرده‌اند، بدل‌هایشان به جایشان حرف می‌زنند.

عکس: رویترز

گالری جهان

فیگارو
چگونه از این آزمون سربلند بیرون آمدم

روزنامه راستگرای فرانسوی فیگارو آنقدر مقابل طعنه‌ها و تیترهای تند و تیز لیبراسیون دندان سر جگر گذاشت تا دست آخر این تیتر را بزند: «چگونه از این آزمون سربلند بیرون آمدم». تیتر از قول اریک وورث وزیر کار فرانسه و همسر خانم بتان کور سهامدار شرکت لوازم آرایشی لورآل است. روزهای گذشته از طریق روزنامه لیبراسیون در جریان رسوایی مالی وورث- بتان کور و ماستمالی سارکوزی در پرونده قرار گرفته‌ایم. حالا فیگارو در تیتر یک خود خبر می‌دهد وورث اتهام‌ها را نمی‌پذیرد و این وصله‌ها به او نمی‌چسبد. این روزنامه از قول وزیر کار می‌نویسد: «من تا آخر این ماه استعفا خواهم کرد و این را هم بدانید که از هر اتهامی تبرئه شده‌ام.» عکس یک فیگارو هم درباره سفر نظامیان آفریقایی از ۱۳ کشور قاره سیاه به فرانسه است برای شرکت در جشن‌های روز ملی فرانسه. روز چهاردهم جولای علاوه بر آنکه روز شورش در زندان باستیل و فروپاشی این زندان است، سرآغاز انقلاب فرانسه و ورود به دوران جمهوری پنجاهمین سالگرد استقلال کشورهای تحت استعمار فرانسه هم هست. این نظامیان به همین خاطر وارد فرانسه شده‌اند.

شانگهای‌دیلی
فیلترینگ اینترنت راه به جایی نمی‌برد

هشدارهای چند روز پیش روزنامه‌های چینی بی‌خود نبود، باران‌های سیلابی کار خودشان را کردند و فاجعه آفریدند. شانگهای‌دیلی تیتر زده: «رانش زمین جان ۳۷ نفر را گرفته». این ماجرا تیتر یک روزنامه شانگهای‌دیلی است و تقریباً بیشترین بخش صفحه یک این روزنامه را به خود اختصاص داده است. عکس یک روزنامه هم همین حادثه است. نیروهای امداد و آتشفشان در محل حادثه حاضر شده‌اند و میان آوارها، دنبال اجساد می‌گردند. احتمال افزایش تعداد کشته‌شده‌ها زیاد است. مناطق شرقی و مرکزی چین بیشترین آسیب‌دیدگی‌ها را داشته‌اند. روزنامه شانگهای‌دیلی تیتر جالب و قابل تاملی هم در نیم‌تای دوم خود دارد. این روزنامه خبر داده «فیلترینگ اینترنت راه به جایی نمی‌برد». در ادامه تیتر هیچ توضیحی دیده نمی‌شود و تنها زیر آن نوشته خوانندگان به بخش خبرهای داغ صفحات داخلی رجوع کنند. به نظر می‌رسد استفاده از فیلترشکن‌ها باعث شده کاربران چینی سایت‌های فیلترشده را دور بزنند و به دولت نشان دهند فیلترینگ عمل بیهوده‌ای است.

پنجاه سال کیهان، اطلاعات

دولت چهار سال دیگر بماند، وضع مردم بهتر نخواهد شد

فرنوش آباء

کیهان، ۲۶ تیر ۱۳۳۹

اظهارات عبدالکریم قاسم در جشن انقلاب عراق: «عراق مرکز توطئه علیه همسایگان نخواهد شد.» برای بالا بردن درآمد عراق، مذاکرات با کمپانی‌های نفت ادامه دارد. عکس یک کیهان باز هم مربوط به کیشی نخست‌وزیر ژاپن است که پس از ترور به بیمارستان منتقل شده است. «دولت اگر چهار سال دیگر بماند، وضع مردم باز هم بهتر نخواهد شد.» «دولت ایتالیا سقوط می‌کند.» در آستانه مسابقات المپیک ایتالیا با یک بحران جدی روبه‌رو است و احتمالاً نخست‌وزیر آن تامبرونی برکنار خواهد شد. «ساختمان پل ۴۵ متری سلامت‌آباد در کردستان، به پایان رسید.» «از روز جمعه توقف در جاده رودهن تا آبعلی ممنوع خواهد شد.» گواهینامه‌ها در دو جا بازدید می‌شود. «یک مرکز تهیه عرق تقلبی کشف شد.» گویا شرکتی به نام آساطور، آب و آهک و الکل را مخلوط و در بطری‌های لاک و مهر شده می‌فروخت. عکس مربوط به خبر آساطور را نشان می‌دهد که بی‌خبر از همه جا به ماموران مخفی جنس تقلبی می‌فروشد. «از گرمای تهران هشت درجه کاسته شد.» در شمال هنوز توفان ادامه دارد و مردم گرگان لباس زمستانی پوشیده‌اند! «شورش مخوف سیاهان، سراسر کنگو را فرا گرفت.» «آقا و بانوی قو با هشت تن از بچه‌های خود عرض خیابان کپنهاگ را برای رفتن به خانه جدید طی می‌کنند.» کل خیابان را در عکس مشاهده می‌کنید که به خاطر عبور این قوها عبور و مرور آن متوقف شده و همه به احترام عبور خانواده قو، ایستاده‌اند.

اطلاعات، ۲۶ تیر ۱۳۳۹

«نویسنده کتاب مزد ترس، محکوم شد.» دادگاه نظامی پاریس این حکم را صادر کرده است. از آن خبرهایی است که هیچ توضیحی درباره‌اش نوشته نشده است. «برنامه بازدید مردم از کارهای آبادانی»: با به کار افتادن کارخانه ذوب‌آهن، صد درصد ساختمان اتومبیل در ایران انجام خواهد گرفت و تا سه سال دیگر طرح ساختن اجزای اتومبیل عملی خواهد شد. «تلفن خودکار شیراز توسط مهندس اشراقی وزیر پست و تلگراف افتتاح شد.» مشترکین این تلفن می‌توانند از محل خانه یا کار خود با هر یک از شهرستان‌های کشور یا کشورهای دیگر تلفنی صحبت کنند. «شهردار تهران، بودجه ۱۶۰۰۰ میلیونی شهرداری را امضا کرد.» مدیرکل تعهد کرد بودجه را به سه میلیارد ریال افزایش دهد. «در مدت شش ماه، شهرداری، ۸۰۰ میلیون ریال درآمد داشته است.» پس از ۳۰ سال حساب‌های شهرداری از ابهام خارج شد. در تهران اعلام شد: «دستگاه‌های ایجادپارازیت از سوی شوروی»: برای جلوگیری از پخش صدای رادیو ایران در شهرستان‌ها این دستگاه‌ها فعالیت شدیدی را در ایران آغاز کرده‌اند. کورها هم می‌توانند قاتل باشند! «جوان نابینایی به ۱۵ سال زندان محکوم شد.» ماکار گفت: چون فاطمه پیشنهاد مرا مبنی بر خارج شدن از محله بدنام نپذیرفت، وی را به قتل رساندم. او اعتراف کرده که فاطمه را با ضربات چاقو غافلگیر کرده است.

پنج دقیقه ایران

آشتی کنان همکلاسی‌ها

مجید یوسفی

*صادق جنان‌صفت سرمقاله‌نویس روزنامه دنیای اقتصاد در یادداشت شماره پنجشنبه خود مناقشه اصناف و دولت را موضوع سرمقاله این روزنامه کرده و نوشته است: رویدادهای چند روز اخیر البته چیزی نیست که منحصر به ایران باشد. تردیدی نیست که این اختلاف به نحوی حل خواهد شد و اصناف و دولت در نهایت به توافق می‌رسند. برای اینکه این وضعیت تداوم پیدا نکند و به نقطه‌ای مناسب برسد، دولت به عنوان نیازمند درآمد و وابسته به درآمد اصناف باید بتواند مالیات‌دهندگان را نسبت به آنچه تمایل دارد، متقاعد کند. سخن اصناف این است که کسب‌وکار در سال ۱۳۸۸ در حالت رکود بوده- که البته آمارهای کلان غیررسمی که رشد اقتصاد ایران را در سال ۸۸ حداکثر دو درصد برآورد می‌کند، این حرف اصناف را تایید می‌کند- و به همین دلیل، انتظار دولت برای دریافت مالیات بیشتر انتظار درستی نیست. از آن سو، مقامات سازمان مالیاتی هم در استدلالی قابل تامل تاکید دارند که سهم بازار در تامین مالیات بسیار پایین و حتی از طیف حقوق‌بگیر هم کمتر است که اصلاح آن گریزناپذیر است. این دو استدلال باید در فضایی منطقی به بررسی کارشناسانه گذاشته شود و بدترین حالت ممکن آن است که این مباحث کارشناسی به منازعه‌ای سیاسی تنزل یابد.

*روزنامه تهران امروز در صفحه چهره‌های هفته، تصویری صمیمی از علی مطهری، کوچک‌زاده و روح‌الله حسینیان را با تیتر آشتی‌کنان همکلاسی‌ها درج کرده و نوشته است: گزارش تصویری تلاش حجت‌الاسلام روح‌الله حسینیان نماینده مردم تهران برای آشتی‌کنان علی مطهری و مهدی کوچک‌زاده را که در هفته‌های گذشته، چالش سختی داشتند شاید بتوان از دیدنی‌ترین تصویرهای روزهای اخیر پارلمان هشتم دانست. کوچک‌زاده و مطهری که اینک از جمله نمایندگان اصولگرای تهران هستند، ۲۸ سال پیش در دبیرستان علوی تهران همکلاسی بودند. این سابقه دور رفاقت اگرچه گاهی در نوشته‌های کوچک‌زاده، مستندی می‌شد برای طرح گلایه‌ها و انتقاداتش از مطهری ولی چندی پیش و در جریان نطق علی مطهری، یادآوری خاطرات آن دوران به شدت مساله‌ساز شد. مطهری که در دفاع از مجلس و انتقادات از حضور برخی نمایندگان در میان دانشجویان تجمع‌کننده مقابل مجلس از جمله کوچک‌زاده سخن می‌گفت، به ناگاه و با عصبانیت تمام به دوران دبیرستان رجوع کرد و به نمایندگان توضیح داد که نام سابق کوچک‌زاده، کوچک‌اف بوده و او فامیلی‌اش را تغییر داده است. این روایت به شدت بر کوچک‌زاده گران آمد و او جاسوزنی و گیره را به سمت مطهری پرتاب کرد. این اقدام سبب واکنش تندتر مطهری شد و او جملاتی را بر زبان راند که مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت و خودش نیز تلویحاً به ناصواب بودن این جمله اقرار کرد. مطهری البته در همان نطق از چهره‌هایی چون روح‌الله حسینیان نیز انتقاد کرده بود ولی روز بعد، حرف‌هایش درباره حسینیان را پس گرفت.